

حسام اسلامی در پشت صحنه مستند مسابقه فرمانده

پرونده‌های اختصاصی برای دوست‌داران  
فیلم مستند

# فیلم کردن زندگی

وقتی بین تمام صفحات مجله دستتان روی این صفحه مانده و همین الان مشغول خواندن این جملات هستید، یعنی بدتان نمی‌آید فیلم‌ساز بودن را امتحان کنید. یا لاف‌باز بدانید فیلم‌سازها چطور فیلم‌ساز می‌شوند. مستند مسابقه‌های «فرمانده» یا «خانه‌ما» را دیده‌اید؟ اسم حسام اسلامی به گوشتان آشنا نیست؟ کارگردان جوان این مستند مسابقه‌ها - کارشناسی ارشد سینما - با یک عالمه تجربه خوب و حرف غیر تکراری کنار ماست تا با هم اطلاعاتش را داخل پرونده سینمایی بریزیم و روزی دو بار، قبل و بعد از غذا از آن‌ها استفاده کنیم!

حواستان به مطالب این پرونده رشد باشد. برای فیلم‌ساز شدن به گفته‌های حسام اسلامی احتیاج پیدا می‌کنید...



من حسام اسلامی هستم

بعضی وقت‌ها آدم هم‌زمان دو چیز را دوست دارد. من مهندسی را دوست داشتم. دانشگاه علم و صنعت مهندسی می‌خواندم، اما نمی‌شد هم‌زمان هم مهندس باشم هم فیلم‌ساز. می‌شد، اما در آن صورت دیگر نه یک فیلم‌ساز خوب می‌شدم و نه یک مهندس حرفه‌ای و کار بلد. آدم‌ها تا یک جایی فکر می‌کنند راه برگشت دارند. این تصور ضریب شکست را بالا می‌برد که هی برویم و برگردیم. من انصراف دادم. دو سال برای سربازی وقت گذاشتم و بعد از آن دانشگاه هنر قبول شدم و تصمیم گرفتم هر اتفاقی افتاد، به جای تغییر مسیر برای اهدافم مبارزه کنم.

## ۱ فیلم‌سازی سه مرحله دارد

برای ساخت یک اثر هنری در وهله اول باید مخاطب آن اثر باشیم و فیلم‌هایی را که درباره آن سبک وجود دارد، ببینیم. این‌طوری به مرور فیلم‌های ما شبیه علاقه‌هایمان می‌شوند و مثلاً می‌توانیم بفهمیم قاب‌بندی مورد علاقه‌مان چیست: ثابت، باز، بسته، شلوغ، خلوت، سردرگم، تر و تمیز؟  
مرحله دوم مرحله درست دیدن فیلم است. در این قسمت به خاطر لذت، فیلم تماشا نمی‌کنیم. اجزا برایمان تفکیک می‌شوند و باید توجیه داشته باشیم چرا فلان قسمت فیلم خوب درآمده و قسمت دیگرش بد. بعد از گذراندن این دو قدم، قدم سوم ساخت فیلم است. شاید به نظرتان این مراحل دم دستی و ساده بیایند اما واقعاً مهم است که حتی ترتیبشان را درست رعایت کنیم. ما اگر از مرحله آخر شروع کنیم و برویم به عقب، دیگر فرصت نمی‌کنیم درست و حسابی فیلم ببینیم. کارگردانی و تولید هر کدام کلی وقت می‌گیرند. حتی اگر قبل از دیدن فیلم‌های مورد علاقه‌مان آموزش ببینیم، باز هم اثر مخرب دارد. یک بچه کوچک همه چیز برایش تازه است. با ولع به همه مسائل نگاه می‌کند و به بعضی چیزها علاقه نشان می‌دهد. همین علاقه‌ها بعدها باعث خلاقیت و جلوگیری از افتادن ما خواهند شد. عجله نکنید!

## ۲ روی جهان‌ت ذره‌بین بگذار

اینکه از جهانی که بر آن مسلطیم صحبت کنیم، بهتر از آن است که وقت و انرژی‌مان را برای شناخت جهان‌های ناشناخته تلف کنیم. لاف‌باز برای شروع استفاده از جهان خودمان کار را راحت‌تر می‌کند، اما ممکن است به ورطه کلیشه و تکرار بیفتیم. باید مواظب این قسمت باشید. داستان‌ها را جزئی‌تر نگاه کنید. اینکه کسی از دنیای مدرسه بنویسد بد نیست، اما میلیون‌ها نفر مدرسه می‌روند. اگر از مدرسه می‌نویسید، معضلات، مشکلات و خواسته‌هایتان را نگویید. شالوده اصلی تمام قصه‌های کلاسیک بیان خواسته‌ها و توصیف موانع سر راه است و نهایتاً تغییراتی



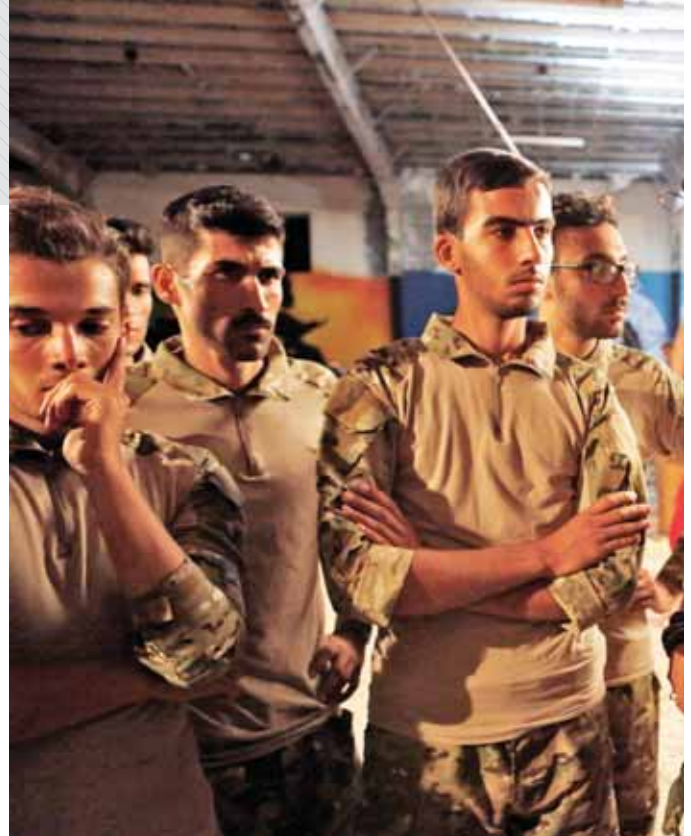
کارگردانی مستند  
مایکل رابینگر  
ترجمه: حمید احمدی لاری  
نشر ساقی، ۱۳۸۲



نگارش فیلمنامه مستند  
دوایت وی و جوی آر سوین  
ترجمه: عباس اکبری و  
امیر پوریا  
نشر ساقی، ۱۳۸۲



مستند: از فیلمنامه تا  
تدوین  
آلن روزننال  
ترجمه: حمیدرضا لاری  
نشر ساقی، ۱۳۸۷



### ۵ حلقه فیلم دفتر خاطرات ما نیست!

تا حالا سخنران‌هایی را دیده‌اید که جمله‌هایی از این دست را به کار می‌برند: من حالم خوب نبود - بداهه گفتم - با عجله خبر دادند برای مراسم بیایم و... تمام این‌ها ترفندهای یک سخنران است برای اینکه اشتباهات احتمالی‌اش را مخفی کند. شما در فیلم‌سازی سخنرانی می‌کنید، اما حق اشتباه ندارید! فرض کنید یک تعداد عوامل مدتی با شما بوده‌اند، هزار جور هزینه کرده‌اید و مدرک جرمتان روی هر سایت و سی‌دی و رایانه‌ای مانده. ترسناک نیست؟ مراقب باشید...

### ۶ ترس مثل گرگی که دنبالتان بیفتد، آن روی خودتان را نشانتان می‌دهد!

اوایل واقعاً از اکران، کارگردانی و حتی تدوین فیلم‌هایم می‌ترسیدم. واقعاً استرس داشتم و همیشه از خودم می‌پرسیدم: چرا یک عده باید برای دیدن آثار من وقت بگذارند؟ اما اگر خوب کار کنید آثارتان مخاطب پیدا می‌کنند. سال ۸۷ با یکی از دوستانم، حسین افشار، یک سری طرح به «پرس‌تی‌وی» دادیم. وسط آن همه طرح یک طرح کاملاً بی‌ربط و متفاوت درباره بومیان استرالیا وجود داشت اتفاقاً همان هم تأیید شد. گفتند بودجه می‌دهند تا بسازیمش. آن سال اطلاعات من و دوستم درباره استرالیا فقط به کاراکترهای کارتون خانواده دکتر از نست محدود می‌شد و بوم رنگ که ریشه استرالیایی دارد... باور نمی‌کنید چه فشاری به ما آمد و با چه وسواسی افتادیم دنبال پژوهش و تحقیقش و آن یک ماه و خرده‌ای که در استرالیا بودیم، چه جانی‌کنندیم تا مستند تمام شود و آبرویمان نرود! قبل از آن سر تولید یک فیلم سینمایی بودیم و در واقع آن پروژه را پیشنهاد دادیم تا پول فیلمان در بیاید، اما نهایتاً فیلم سینمایی کنار گذاشته شد و آن قدر پروژه قاره جنوبی خوب از آب درآمد که بعد از آن، کارهای جدی مستندسازی من شروع شد و به شبکه‌های متعدد معرفی شدم. ریسک‌پذیری همیشه هم بد نیست.

که افراد در آن موقعیت‌ها می‌کنند. توصیف موانع مهم است. از اتفاقات عینی‌تر و جزئی مدرسه حرف بزنید و سعی کنید، حس فیلم‌نامه برای همه دانش‌آموزان قابل تعمیم باشد. یکی از شاگردان من یک بار از پستوی تاریک مدرسه‌شان حرف زد که بچه‌ها هزار جور داستان برایش ساخته بودند. خب این قشنگ است. همه ما حتی برای یک‌بار هم که شده، ترس‌های این مدلی در زندگی‌مان داشته‌ایم. به این می‌گویند یک اتفاق جزئی با حس قابل تعمیم.

### ۳ با هر روحیه‌ای می‌توان فیلم‌ساز شد!

بعضی جاها این‌طور جا افتاده که کسی که پررو نیست، نباید کارگردان بشود. به نظر من این نظر نمی‌تواند درست باشد. یک عکاس معروف عکس تمام کاراکترهایش را از پشت سر می‌گرفت. وقتی پرسیدند: «چنین ایده جالبی از کجا به ذهنت رسید؟» جوابش یک جمله بود: «حجالت می‌کشیدم رو در رو از سوزه‌ها عکس بگیرم!» شما اگر خودتان باشید و مطابق خواسته‌های خود واقعی‌تان در مسیر فیلم‌سازی بیفتید، دیگر فرقی نمی‌کند در طبیعت باشید یا در محیط صنعتی یا اجتماعی. بالاخره سبک خاص خودتان را می‌سازید.

### ۴ تحصیل در دانشگاه خوب یا بد؟

هر کس می‌تواند برای خودش یک طرح درس طراحی کند. ساعتی در روز را به دیدن، خواندن و تجربه کردن اختصاص بدهد و یا در جاهایی حضور پیدا کند که از قبل یک طرح درس مشخص برایش طراحی کرده‌اند. با این حجم اطلاعاتی که در سایت‌ها و کتاب‌ها ریخته شده به راحتی می‌توان به بهترین فیلم‌های دنیا، نقد و تحلیل و طریقه ساختشان دست پیدا کرد. اما نکته مثبت دانشگاه این است که فرصت بیشتری برای یادگیری در اختیارمان می‌گذارد. بین گروه قرارمان می‌دهد، صبرمان را بیشتر می‌کند و مجبورمان می‌کند ببینیم، بخوانیم و حداقل چهارسال «فقط» یاد بگیریم!

